

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه شصت و یکم 95/12/01

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الی يوم لقاء الله

بحث در رابطه با تقیه بود که عرض شد موضوع تقیه افزون بر آنکه در کتاب و سنت و سیره مسلمین آمده است، بحث عقلی و فطری است.

یکی از دوستان دیروز بعد از بحث می‌گفت: فراتر از فطری، تقیه یک بحث غریزی است. به این ترتیب که حیواناتی که از عقل هم برخوردار نیستند، در برابر ترس کاملاً عقب نشینی می‌کنند.

کسانی که منکر تقیه هستند، در حقیقت یا سخنی برخلاف آنچه در عمل به آن انجام می‌دهند می‌گویند و یا اینکه بحث عناد با تشیع است. ما در این زمینه آیه ۱۰۱ سوره نساء را خواندیم که قرآن به صراحت می‌گوید: اگر نماز چهار رکعتی به اندازه‌ای طولانی شود که باعث خطر برای شما باشد، می‌توانید آن را به دو رکعت یا حتی یک رکعت تبدیل کنید.

این مسئله فراتر از مسائلی بود که ما تا به حال خوانده بودیم. در اینجا خداوند متعال دو مسئله را مطرح کرده است؛ مسئله اول:

(فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ)

گناهی بر شما نیست.

سوره نساء (۴): آیه ۱۰۱

می‌باشد. بعضی افراد در این زمینه ادعا کردند که «فلاجناح» یعنی اشکالی ندارد و امر نیست. مسئله دوم این است که در رابطه با:

(أَنْ تَقُضُوا مِنَ الصَّلَاةِ)

که نماز را شکسته بخوانید.

سوره نساء (۴): آیه ۱۰۱

اینکه نماز را کوتاه بخوانید هم در مورد نماز خوف است و هم در رابطه با نماز مسافر است. گاهی مواقع بحث سر این است که آیا واقعاً آیه:

(وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقُضُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا)

و چون به سفر می‌روید و بیم آن دارید که کفار شما را گرفتار سازند گناهی بر شما نیست که نماز را شکسته بخوانید، چون کفار دشمن آشکار شمایند.

سوره نساء (۴): آیه ۱۰۱

به طوری است که کلمه **(خِفْتُمْ)** هرکجا محقق شد، قصر صلاة هم محقق است؟ یا نه، از باب وصف بیان کردن حکمی همانند «اکرم العالم» یا امثال آن وارد می‌شود؟!

ما در اینجا عرض کردیم که تعلیق حکم بر وصف، بنابر رأی «علامه حلی» و دیگر بزرگواران مشعر به علیت است. کلمه **(الَّذِينَ كَفَرُوا)** که در اینجا آمده است، ذکر وصف غالب هست. و وصف غالب هم موجب تقيید و تضييق حکم نخواهد شد.

در رابطه با مسئله اول، روایت زیبایی از «زراره» و «محمد بن مسلم» وارد شده است که هم مباحثه و هم درس و از شاگردان امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) بودند. امام صادق (علیه السلام) در مورد ایشان فرموده است:

«لَوْلَا زُرَّارَةٌ وَ نُظْرَاؤُهُ لَأَنْدَرَسَتْ أَحَادِيثُ أَبِي عَلِيٍّ السَّلَامِ»

الفصول المهمة في أصول الأئمة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح:

القائینی، محمد بن محمد الحسین، ج ۱، ص ۵۸۹، ح ۹۱۲

این دو نفر خدمت امام صادق (علیه السلام) می‌رسند. واقعاً آدم از صفایی که میان این افراد با امام صادق (علیه السلام) بوده است، لذت می‌برد. چقدر با امام زمان خود، خودمانی بودند که به آن بزرگوار اشکال و اعتراض می‌کردند و حضرت هم به زیبایی جواب آنان را می‌داد.

«زراره» و «محمد بن مسلم» عرض می‌کنند:

«مَا تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ كَيْفَ هِيَ وَ كَمْ هِيَ»

نماز در سفر چگونه و چطور است؟!

امام صادق (علیه السلام) در جواب فرمودند:

«فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ إِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْضُوا مِنَ الصَّلَاةِ فَصَارَ

التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ وَاجِباً كَوْجُوبِ التَّمَامِ فِي الْحَضَرِ»

«زراره» و «محمد بن مسلم» می‌گویند:

«قَالَ قُلْنَا إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ وَ لَمْ يَقُلْ أَفْعَلُوا فَكَيْفَ أُوجِبَ ذَلِكَ كَمَا أُوجِبَ التَّمَامُ

فِي الْحَضَرِ»

یابن رسول الله! شما فرمودید «لیس جناح علیکم» وجوب قصر در سفر را همانند وجوب تمام در حضر تثبیت می‌کند، حال آنکه «افعلوا» نگفته است.

این دو نفر به این راحتی در برابر امام زمان خود اشکال و اعتراض می‌کنند. آن‌ها می‌گویند: اگر «اقصروا الصلاة» گفته بود کاملاً فرمایش شما درست بود، اما «وجب التقصیر» نگفته است.

امام صادق در این زمینه مثالی از قرآن کریم می‌زنند و می‌فرمایند:

«فَقَالَ أَوْ لَيْسَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الصَّافَا وَ الْمَرْوَةِ- فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا»

طواف میان صفا و مروه واجب است، درحالی‌که خداوند عالم در آنجا هم فرموده است «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا».

امام صادق (علیه السلام) در ادامه می‌فرمایند:

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الطَّوْفَ بِهِمَا وَاجِبٌ مَفْرُوضٌ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ وَ صَنَعَهُ نَبِيَّهُ ع وَ كَذَلِكَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ شَيْءٌ صَنَعَهُ النَّبِيُّ ص وَ ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِي كِتَابِهِ»

حضرت در اینجا با استفاده از قرآن کریم استدلال می‌کند که (فَلَا جُنَاحَ) دلیل بر استحباب یا جواز نیست، بلکه در اینجا دلیل بر وجوب است!

«زراره» و «محمد بن مسلم» در ادامه عرض می‌کنند:

«فَمَنْ صَلَّى فِي السَّفَرِ أَرْبَعًا أَوْ يَعْيدُ أَمْ لَا»

اگر کسی در سفر به جای نماز شکسته نماز تمام خواند، چکار کند؟! آیا باید اعاده کند؟!!

«قَالَ إِنْ كَانَ قَدْ قُرِئَتْ عَلَيْهِ آيَةُ التَّقْصِيرِ وَفُسِّرَتْ لَهُ فَصَلَّى أَرْبَعًا أَعَادَ»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر چنانچه جهل او برطرف شده است و حکم شرع به او رسیده است، اما باز هم تخلف کرده و نماز را تمام خوانده است باید نماز را اعاده کند.

«وَإِنْ لَمْ يَكُنْ قُرِئَتْ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَعْلَمْهَا فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ وَ الصَّلَاةُ كُلُّهَا فِي السَّفَرِ الْفَرِيضَةُ رَكَعَتَانِ كُلُّ صَلَاةٍ إِلَّا الْمَغْرِبَ فَإِنَّهَا ثَلَاثٌ لَيْسَ فِيهَا تَقْصِيرٌ تَرَكَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي السَّفَرِ وَ انْحَصَرَ ثَلَاثَ رَكَعَاتٍ»

تا آنجائیکه حضرت می فرمایند:

«وَ قَدْ سَافَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى ذِي حُشْبٍ وَ هِيَ مَسِيرَةٌ يَوْمٍ مِنَ الْمَدِينَةِ يَكُونُ إِلَيْهَا بَرِيدَانِ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ مِيلاً فَقَصَرَ وَ أَفْطَرَ»

رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به ذی حشب که فاصله‌ای میان مکه و مدینه است و مسیر یک روز است و نامه‌رسان می‌تواند در یک روز برود و بیاید، رفت. و نمازش را شکسته خواند و روزه خود را نیز افطار کرد.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۴۳۴، ح ۱۲۶۵

آقایان در مورد «قصر در نماز» چند ملاک دارند؛

ملاک اول «مسیره یوم» است، شخص با چهارپا از یک صبح تا غروب چقدر راه می‌رود. معمولاً در آن زمان هشت فرسخ راه می‌رفتند.

ملاک دوم «مسیره شمس» است، کسی از اول صبح تا غروب آفتاب راه برود. یک مرتبه با استفاده از اسب خیلی تند می‌رود و ممکن است ۱۶ فرسخ راه برود. مرتبه دیگر ممکن است با شتر آهسته راه برود و در یک روز تمام، چهار یا پنج فرسخ بیشتر راه نرود.

ملاک سوم «بریدین» است، در این حالت معلوم می‌کنند که چقدر طول می‌کشد تا یک نامه رسان این مسیر را برود و برگردد. شخص اگر به همان اندازه راه برود، می‌تواند نماز خود را شکسته بخواند.

در زمان گذشته وسایل ارتباطی نبود و به همین خاطر در هر چهار فرسخ یک نامه رسان می‌گذاشتند. نامه رسان اول چهار فرسخ راه را می‌پیمود و نامه را به دست نامه رسان بعد می‌داد. نامه رسان دوم هم چهار فرسخ راه می‌پیمود و نامه را به نامه رسان بعدی می‌داد.

بنابراین در گذشته نامه‌ها به این صورت ردوبدل می‌شد. این در حالی است که اگر یک نفر بود خسته می‌شد و دیگر نمی‌توانست برود و باید استراحت می‌کرد. نامه رسان اول غروب می‌آمد نامه را به نامه رسان دوم می‌داد و او هم هشت فرسخ می‌رفت و نامه را می‌رساند.

ملاک چهارم؛ بحث هشت فرسخ است. البته اختلافی میان فقها وجود دارد که نمی‌دانیم عزیزان آن را شنیدند یا نشنیدند. ملاک کدام است؟! آیا ملاک واقعی هشت فرسخ است؟! «بریدان ذهابا و ایابا» است؟! یا «مسیره شمس» است؟!

بعضی از آقایان تشکیک دارند و می‌گویند: این موارد در حقیقت به صورت تخییر است. اگر چنانچه فردی به طور متوسط هشت فرسخ می‌رود، در هشت فرسخی باید نماز را شکسته بخواند. اگر فردی «مسیره شمس» می‌رود، اگر صبح تا غروب راه برود تا مشهد می‌رسد. بنابراین این شخص اگر تا تهران برود نمازش شکسته نیست. بعضی از مراجع از جمله آیت الله العظمی شبیری زنجانی می‌گفتند: من زمانی که به تهران می‌رفتم، نمازم را جمع می‌خواندم.

چون در حقیقت نماز قصر نعمتی از خداوند عالم برای کسی است که خسته می‌شود. از اینجا تا تهران رفتن با ماشین انسان را خسته نمی‌کند، بلکه خستگی انسان هم برطرف می‌شود. اگر چنانچه از اینجا تا اهواز یا بندرعباس برود، قطعاً خسته می‌شود!

بعضی از آقایان هم از جمله آقای «صادقی» این مسئله را واجب می‌دانستند و می‌گفتند: با این امکاناتی که امروزه وجود دارد، «مسیره یوم» امروز ماشین است و آن روز اسب بود.

خود ما هم روی این مسئله خیلی کار کردیم. بنده حدود سه ماه روی تمام روایات و فتاوی فقها کار کردم. آنچه برای من روشن شد، این بود که در آن روز معمولاً تمام این شاخصه‌هایی که شارع مقدس بیان کرده است به هشت فرسخ می‌رسد.

ما از روح روایات این مسئله را می‌فهمیم که ملاک شارع مقدس هشت فرسخ رفتن است. هشت فرسخ رفتن با «مسیره شمس» باشد، «ایاب و ذهاب بریدین» باشد، یا «مسیره یوم» باشد. هشت فرسخ ملاک است و آن «ایاب و ذهاب بریدین» هم در حقیقت طریق این است. همچنین «مسیره شمس» و «مسیره یوم» هم طریق برای این است.

لذا هشت فرسخ برای شارع مقدس ملاک بوده است؛ حال اینکه یک شخص با ماشین بخواهد برود و خسته نمی‌شود، ملاک نیست. حال شخصی با تراکتور می‌رود و یا پشت وانت سوار شده است و راه می‌رود. قطعاً چهار فرسخ راه رفتن با این وسیله نقلیه برای انسان موجب خستگی خواهد شد و همچنین توده مردم از این هشت فرسخ احساس خستگی می‌کنند.

لذا شارع مقدس این مسئله هشت فرسخ را ملاک قرار داده است، زیرا اگر ما بخواهیم با این وضع پیش برویم بسیاری از احکام شرعی ما به هم می‌ریزد.

یا شما ببینید که در روایات نسبت به عده زن مطلقه، «لعدم اختلاط المیاه» وارد شده است. حال با استفاده از دستگاه‌های سونوگرافی کاملاً مشخص می‌شود که خانم حامله است یا حامله نیست.

اگر خانمی طلاق بگیرد سه ماه و اندی طول می‌کشد تا مشخص شود که نطفه شوهر در رحم این خانم هست یا نیست. روایات زیادی هم در این زمینه داریم؛ این در حالی است که امروزه با دستگاه‌های سونوگرافی، همان روز مشخص می‌شود که این خانم حامله است یا نیست.

همچنین در مورد حد ترخص دو مسئله وارد شده است؛ مسئله اول این است که صدای اذان به گوش شخص نرسد و مسئله دوم این است که دیوار شهر دیده نشود. این در حالی است که امروزه اگر با دوربین نگاه کنید، از حدود ۲۰ فرسخی هم دیوار قم را مشاهده می‌کنید.

همچنین اگر ده فرسخ از قم فاصله بگیرید، با استفاده از بلندگو صدای اذان شهر به گوش خواهد رسید. بنابراین اگر این قضایا بخواهد ملاک قرار بگیرد، بسیاری از مسائل شرعی ما به هم خواهد ریخت.

ما ناگزیریم در اینجا یک تعبد و یک خط قرمز بگذاریم و قواعد و ضوابطی که از ائمه طاهریین (علیهم السلام) به ما رسیده است را ملاک قرار بدهیم.

در حال حاضر در رابطه با بحث رؤیت هلال ماه هم همین مسئله است. این مسئله موجب اختلاف بسیاری شده است و ماه رمضان رابه هم ریخته است و موجب می‌شود در بعضی از سال‌ها بعضی از آقایان سه شب احیا برگزار کنند، زیرا سه نظریه در اول ماه بوده است.

به یاد دارم در یکی از سال‌ها، بعضی از مراجع از جمله آقای بهجت و آقای روحانی یک روز در مجلس خود، جای گذاشته بودند و مردم در رفت و آمد بودند، اما عده دیگری از آقایان روزه بودند و مقلدینشان هم روزه بودند.

اگر قرار باشد ما رؤیت قمر را از راه غیر طبیعی ملاک قرار بدهیم، همه مسائل به هم خواهد ریخت. فرمود:

«ضَمُّ لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطَرُ لِلرُّؤْيَةِ»

وسائل الشيعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۱۰، ص ۲۵۶، ح ۱۳۳۵۱

بنده در حال حاضر می‌توانم با استفاده از تلسکوپ نگاه کنم و ماه را ببینم، آیا توده مردم هم می‌توانند آن را ببینند؟! این قضیه همانند قضیه جدار شهر و شنیدن صدای اذان و نطفه در رحم زنان مطلقه است. اگر این چنین باشد کار، خیلی به هم می‌ریزد.

لذا ما معمولاً در ماه‌هایی که شک در آن وجود داشت، به جهت اینکه احوط الأقوال را بخواهیم رعایت کنیم مسافرت می‌کردیم. ما به همراه چندین هزار طلبه به زیارت امامزاده عبدالله می‌رفتیم تا هم زیارت کنیم و هم هشت فرسخ راه رفته باشیم.

زمانی که به آنجا می‌رفتیم به قدری شلوغ بود که به سختی می‌توانستیم نماز بخوانیم. معلوم می‌شد که همه آقایان این اقدامات را انجام می‌دهند.

مسئله دیگری که در این زمینه مطرح است، «لیالی مقمره» یا شبهای مهتاب است. شب‌های مهتاب مصیبتی به بار آورده است؛ بعضی از آقایان می‌گویند: اگر چنانچه فجر با چشم عادی دیده نشود، نمی‌توان نماز خواند.

از سیزدهم ماه تا بیست و سوم ماه جزو لیالی مقمره است. بعضی از آقایان بر این عقیده هستند که حتماً باید یک ربع یا بیست دقیقه تحمل کنید تا نماز صبح بخوانید، اما بعضی از آقایان معتقدند که ملاک این نیست.

کسانی که مقداری دغدغه دینی دارند، این مسئله برایشان مشکلی به وجود آورده است. روی این مسئله در حال حاضر در میان فقهای معاصر غیر از امام خمینی، آیت الله العظمی شبیری زنجانی بر این عقیده است.

البته آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی سیستانی چنین عقیده‌ای ندارند.

پرسش:

ظاهراً ملاک این دو تفاوت دارد. مثلاً در مسافرت ملاک بُعد مسافت بوده است که بگوییم همان هشت فرسخ است. حال آنکه در رؤیت ماه، ملاک دیدن است، حال هرطور که ببینیم؛ چه با تلسکوپ ببینیم و چه با چشم عادی ببینیم.

پاسخ:

حال اگر کسی تلسکوپ ندارد، چکار کند؟! در حال حاضر شما تلسکوپ دارید و می‌بینید، اما بنده تلسکوپ ندارم و نمی‌بینم. در حال حاضر ماه شوال وارد شده است یا وارد نشده است؟!!

شما نباید چنین تعبیر کنید، بلکه باید بگویید: آیا ملاک، خروج ماه از محاق است یا ملاک، رؤیت است؟! آیا ملاک این است که ماه از جلوی شمس به پشت سر منتقل شده است و متولد شده است یا ملاک این است که من ببینم؟!!

یک سری از آقایان معتقدند که ملاک این است که ماه از محاق بیرون آمده باشد، رؤیت مقدمه برای آن است. حال بنده به هر طریقی به این مسئله برسم، اول ماه ثابت می‌شود.

«أُخُوکَ دِیْنُکَ، فَأَخْتَطُّ لِدِیْنِکَ»

الأمالی، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، ص ۱۱۰، ح ۱۶۸

از من به شما نصیحت؛ ما نمی‌دانیم مرجع بزرگواری که فتوا داده است در لیالی مقمره یک ربع به تأخیر بیندازیم، فتوای او مطابق با لوح محفوظ است، یا فتوای دیگر مراجع؟! اینکه من مقلد فلان مرجع هستم و مرجع من این حرف را زده است، این مسئله را به طور کلی از ذهن پاک کنید!!

من اولین باری که به حج واجب می‌رفتم، خدمت آیت الله العظمی شیبیری زنجانی برای خداحافظی رفتم. ایشان به من توصیه‌ای کردند و گفتند: "شما که برای حج می‌روید، نگویید که نظر من این است و مرجع من چنین حرفی را بیان کرده است، بلکه «أحوط الأقوال» را در آنجا رعایت کنید."

لذا اولین باری که به مکه رسیدیم، بعضی از آقایان در داخل مکه، سوار ماشین مسقف شدن را جایز می‌دانستند، اما بعضی از آقایان آن را جایز نمی‌دانستند. کاروان ما که حدود ۲۶۰ نفر بودیم، همگی سوار اتوبوس شدند و رفتند، اما ما همین‌طور مانده بودیم.

ما که سه نفر بودیم کنار خیابان عزیزیه ایستادیم و با خواهش و التماس یک وانت گرفتیم. راننده به ما گفت: اگر پلیس ببیند، من را جریمه می‌کند. من به ایشان گفتم: جریمه را هم ما پرداخت می‌کنیم.

وقتی که سوار ماشین شدیم، مسیر را بلد نبودیم. به طرف بیت الله الحرام آمدیم تا ببینیم که از کجا باید برویم. همین‌طور از مردم سؤال می‌کردیم که بیت الله الحرام از کدام طرف می‌رود. ما همین‌طور می‌رفتیم، اما به مقصد نمی‌رسیدیم و اطراف مسجد الحرام سرگردان بودیم.

لذا از من به شما نصیحت، تلاش کنید «أحوط الأقوال» را رعایت کنید. چه بسا می‌بینید یک عمل و یک احتیاط باعث می‌شود که شما مسیر هزار ساله را در یک دقیقه بپیمایید.

«فإذا أحببته كنت سمعه و بصره و لسانه و يده و رجله فبى يسمع و بى يبصر، و بى ينطق، و بى

يبطش، و بى يمشى»

مشارك أنوار اليقين فى أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، نویسنده: حافظ برسی، رجب بن محمد،

محقق / مصحح: عاشور، علی، پاورقی ص ۲۵، فصل [قدرة آل محمد التكوينية]

گاهی اوقات یک عمل باعث می‌شود که پرده‌های حجاب کنار برود و چشم به چشم الهی تبدیل می‌شود، زبان به زبان الهی تبدیل می‌شود، گوش و دست به گوش و دست الهی تبدیل می‌شود!

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است، مقام آدمیت

یا:

بار دیگر از ملک پُران شوم

آنچه در وهم تو ناید، آن شوم

یا:

«عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی فائی اقول کن فیکون»

بحار الأنوار (ط- بیروت)؛ ج ۱۰۲، ص ۱۶۵

لذا خداوند عالم رضایت خود را در طاعت خود قرار داده است و ما نمی‌دانیم که رضایت خدا در کدام یک از طاعات ما قرار دارد.

امام صادق (علیه السلام) در ادامه می‌فرماید:

«وَقَدْ سَمِيَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَوْمًا صَامُوا حِينَ أَفْطَرَ الْعَصَاةَ»

رسول گرامی اسلام قومی را که در روزی که باید افطار می‌کردند، روزه گرفتند را «العصاة» نامید.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص

۴۳۴، ج ۱۲۶۵

ما روایات آن را سابقاً برای شما خواندیم. در کتاب «صحیح مسلم» وارد شده است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) زمانی که برای فتح مکه می‌رفتند، از مدینه بیرون آمدند و تا منطقه کراع الغمیم رسیدند؛ حضرت آبی طلبید و روزه اش را افطار کرد ولی بعضی از مردم حاضر به افطار کردن نشدند:

«إِنَّ بَغْضَ النَّاسِ قَدْ صَامَ فَقَالَ أُؤَلِّكَ الْغُصَاةَ أُؤَلِّكَ الْغُصَاةَ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۲، ص ۷۸۵، ح ۱۱۱۴

امام صادق (علیه السلام) هم در اینجا می‌فرمایند: تعدادی از مردمی که می‌باید روزه را می‌شکستند، نشکستند و رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هم از آن‌ها به «عصاة» تعبیر کرده است.

«فَهُمُ الْغُصَاةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

کسانی که در برابر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ایستادند تنها کسانی که آنجا حضور داشتند نبودند، بلکه نسل اندر نسل آن‌ها در برابر رسول الله ایستادند!!

«وَإِنَّا لَنَعْرِفُ أَبْنَاءَهُمْ وَأَبْنَاءَ أَبْنَائِهِمْ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا»

ما نسل اندر نسل آن‌ها را می‌شناسیم.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابويه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص

۴۳۴، ح ۱۲۶۵

خشت اول گر نهد معمار کج

تا ثریا می‌رود دیوار کج

در اینجا بحثی وجود دارد که تنها به کلیاتی در مورد آن اشاره می‌کنم. با اینکه بحث شکسته شدن نماز و روزه در سفر از قطعیات است و روایات متعددی در این زمینه وجود دارد، اما نتیجه دوری از اهلیت (علیهم السلام) که رسول گرامی اسلام در مورد آن بزرگواران فرمودند:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ [الثَّقَلَيْنِ] مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا [بَعْدِي أَبَدًا]»

یا:

«أهل بيتي أمان لأمتي من الاختلاف، فإذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب إبليس»

دلائل الصدق لنهج الحق، نویسنده: مظفر نجفی، محمد حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ج ۵، ص ۳۹۱، باب خاتمة

بینید که آقای «جزری» در کتاب «الفقه على المذاهب الأربعة» چه می‌گوید. ایشان متوفای ۱۳۶۰ هجری قمری است. این شخص «ابن الجزری» است و غیر از آن «ابن اثیر جزری» است.

حنفی‌ها معتقدند که سنت مؤکد است؛ مکروه است مسافر نماز خود را تمام بخواند، اما اگر بخواند اشکالی ندارد. مالکی‌ها هم معتقدند که قصر صلاة سنت مؤکد است و تأکید آن از نماز جماعت بالاتر است. آقایان دیگر هم هرکدام به نوعی این مسئله را بیان کردند. مالکی‌ها گفتند:

«إن قصر الصلاة مطلوب من المسافر لا جائز»

الفقه على المذاهب الأربعة، المؤلف: عبد الرحمن بن محمد عوض الجزيري (المتوفى: ۱۳۶۰ هـ)، الناشر:

دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م، ج ۱، ص ۴۲۷، باب حکمها

مشاهده کنید که هرکدام بحثی را مطرح کردند و حکم الهی را به نوعی تغییر دادند. مشاهده کنید که از لجنه دائم افتاء سؤال کردند و پرسیدند: «من وارد دانشگاه آمریکا و کانادا شدم و چه بسا سه یا چهار سال در آنجا هستم. بعضی‌ها نمازشان را شکسته و بعضی‌ها نمازشان را تمام می‌خوانند. حکم من چیست؟!

آقایان وهابی لطف کردند و در جواب گفتند: "خداوند عالم ترخیص کرده است و رخصت داده است. عمر هم اینطور گفته است و «مسلم» هم اینطور نقل کرده است.

پیغمبر اکرم هم ۱۷ روز در سنه القضاء که برای عمره رفته بودند و منجر به صلح حدیبیه شد، نماز خود را شکسته خواندند. همچنین در جنگ تبوک ۲۰ روز حضور داشتند و در آنجا نماز خود را شکسته خواندند.

در ادامه گفتند:

"اگر چنانچه یک دانشجو به آنجا می‌رود و نمی‌خواهد اقامه کند و منتظر است کارش تمام شود و برگردد. تاجری به آنجا رفته است و می‌خواهد شش ماه تا یک سال در آنجا تجارت کند و برگردد. در تمام این مدت سنت مؤکد است که باید نماز خود را شکسته بخواند."

همچنین مورد دیگری وارد شده است که فتوا می‌دهند: "اگر در جایی رفتید و تا سه روز ماندید، نماز شما شکسته است و بیشتر از سه روز باید نماز کامل بخوانید؛ در این زمینه فتاوی‌ای عجیب و غریبی بیان کرده‌اند!!

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته